



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

چرا امام حسین علیه السلام

در روزگار معاویه

قیام نکرد؟

عباس کوثری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا امام حسین (علیه السلام) در روزگار معاویه قیام نکرد؟

نویسنده:

مشخص نشده است.

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... چرا امام حسین (علیه السلام) در روزگار معاویه قیام نکرد؟
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... تفاوت معاویه و یزید
۷	..... عدم آگاهی و آمادگی مردم
۷	..... التزام به صلحنامه امام مجتبی
۸	..... اقدامات حسینی در عصر معاویه
۸	..... اشاره
۸	..... ترویج امامت علوی
۹	..... هشدار به خواص
۱۰	..... اعتراض به کشتن مردان خدا
۱۰	..... پاورقی
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## چرا امام حسین (علیه السلام) در روزگار معاویه قیام نکرد؟

### مشخصات کتاب

عنوان: چرا امام حسین (علیه السلام) در روزگار معاویه قیام نکرد؟

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

عباس کوثری (پدیدآور) زبان: فارسی

صاحب محتوا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: بغی معاویه

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ، ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+ ؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی و عنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: ماهنامه کوثر، (زمستان ۱۳۸۰): شماره ۵۲

شناسه: [oai.tebyan.net/۳۳۳۷](http://oai.tebyan.net/۳۳۳۷)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

### مقدمه

همه می دانیم امیر مؤمنان علیه السلام در سال چهارم هجری از جهان خاکی به عالم ملکوت رخت برکشید و حدود ده سال، امامت و رهبری امت بر عهده امام حسن مجتبی علیه السلام بود. سبط اکبر رسول خدا نیز در سال پنجاهم به دست دشمن مسموم شد و راهی جنان الهی گردید و پرچم امامت در دست حسین بن علی علیهما السلام قرار گرفت و از امامت تا قیام سیدالشهداء علیه السلام حدود ده سال فاصله است. در این مقاله برآنیم تا فلسفه عدم قیام آن بزرگوار در عصر معاویه را مورد بررسی قرار دهیم. در این جا تنها بخشی از عوامل تأثیرگذار در عدم قیام سیدالشهداء علیه السلام در عصر معاویه را، بر می شماریم:

### تفاوت معاویه و یزید

با نگاهی به تاریخ، در می یابیم که معاویه از مکر و شیطنت ویژه ای برخوردار بود؛ به طوری که برخی کوتاه اندیشان خیال می کردند او از علی علیه السلام سیاستمدارتر است. امام علی علیه السلام در برابر این خیال باطل می فرماید: «والله ما معاویه بادهی منی و لکنه یغدر و یفجر و لولا کراهیه الغدر لکنت ادهی الناس» [۱] به خدا سوگند! معاویه زیرک تر از من نیست، ولی او مکر و حيله گری می کند و اگر نبود ناپسندی خدعه، من از زیرک ترین افراد بودم.» او با همین حيله ها، در صفین خود را از کشتن عیار تبرئه

کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از قبل، خطاب به عمار فرموده بود: «تو را گروه ستمگر خواهند کشت.» [۲] زمانی که عمار توسط لشکر معاویه به شهادت رسید، نقل این حدیث موجب اضطراب و تردید آنان گشت. اما وی در مقابل با تحلیلی وارونه به آنان وانمود کرد: ما او را نکشته‌ایم، این علی بوده است که او را با خود همراه کرده و سبب کشته شدنش شده است. و نیز در آخرین لحظات که می‌رفت سپاه امیرمؤمنان علیه‌السلام غائله حکومت اموی را برای همیشه پایان دهد، با دسیسه قرآن بر نیزه کردن، خود را از سقوط حتمی نجات داد. او با کاربرد همین شیوه‌ها، سبب از هم گسستگی سپاه امام مجتبی علیه‌السلام و ایجاد تفرقه در میان صفوف آنان گشت و از سویی دیگر با تطمیع راویان آخرت فروش، فضایی ابهام آلود بر افکار حاکم ساخت؛ به گونه‌ای که قدرت تشخیص سره از ناسره برای بسیاری از افراد مشکل شد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: عقل چیزی است که بدان، خداوند عبادت شود و بهشت به دست آید. راوی سؤال می‌کند: پس آنچه معاویه داشت، چه بود؟ حضرت پاسخ داد: «الْكَرَاءُ، الشَّيْطَنَةُ» [۳] مکر و شیطنت بود. این چنین بود که امام حسین علیه‌السلام با قدرت تبلیغاتی معاویه و جهل عمومی، زمان را برای قیام خویش مناسب ندانست. زیرا به خوبی آگاه بود که معاویه با همان حیل‌ها و نیرنگ‌های صفین به صحنه می‌آید و مانع درخشش حق و سبب سرکوب بیشتر مؤمنان خواهد شد. از سوی دیگر، امام مجتبی علیه‌السلام با معاویه بیعت نموده بود و اگر سیدالشهدا علیه‌السلام قیام می‌نمود، معاویه با استناد به همین اصل که نقض بیعت شده، حقیقت را در اذهان و افکار مردم مشتبه و آن را تحریف می‌کرد و خود را چهره‌ای حق به جانب قلمداد می‌کرد. برعکس، یزد فردی سبک سر و خام بود که تجربه‌های شیطانی پدر را خوب نیاموخته بود و توان مقابله با آثار نهضت عظیم حضرت را نداشت. بدین جهت، امام حسین علیه‌السلام در پاسخ بنی‌جعده، این چنین نگاشت: «اکنون حرکتی نکنید و از آشکار شدن دوری کنید و خواسته خود را پنهان کنید و تا (معاویه) فرزند هند زنده است، از اقدام نابه جا بپرهیزید. اگر او مرد و من زنده بودم، نظرم به شما خواهد رسید. ان شاء الله.» [۴].

### عدم آگاهی و آمادگی مردم

یکی از اصول الهی و دینی، اصل اتمام حجت است. قرآن کریم می‌فرماید: «رُسُلًا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» [۵] پیامبرانی که بشارت دهند و بیم دهند تا بعد از آمدن پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند. امیرمؤمنان علیه‌السلام علت پذیرش حکومت از ناحیه خود را، این چنین بیان می‌دارد: «لولا حضور الحاضر و قیام الحُجَّةِ بوجود النَّاصر و ما اخذَ اللهُ على العلماء ان لا يُقارَوا على كِظَّةِ ظالمٍ و لا سِغْبِ مظلومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا على غاربها [۶] اگر نبود حضور آن جمعیت بسیار (برای بیعت با من) و یاری نمی‌دادند که حجت تمام شود و نبود عهدی که خدای تعالی از علما و دانایان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم آرام نگیرند، ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم». یکی از عوامل زمینه ساز نهضت و قیام سیدالشهدا علیه‌السلام دعوت کوفیان بود؛ این دعوت موجب شد که برای حضرت تکلیف دیگری، با توجه به اصل اتمام حجت، ایجاد شود. اگر حضرت دعوت کوفیان را اجابت نمی‌نمود، آنان می‌توانستند احتجاج کنند که ما حاضر بودیم آن حضرت را یاری کنیم. اما ایشان با ما همراهی نکردند. بدین سان لازم بود، امام به سوی کوفه حرکت کند و زمینه را برای ظهور میزان صداقت آنان در این امر آماده سازد؛ اما در زمان معاویه حرکتی جدی از سوی مردم انجام نشد و اگر زمینه‌ای هم وجود داشت، خفقان و استبداد حکومت معاویه، اجازه ابراز آن را نمی‌داد و در نتیجه از این جهت، تکلیفی برای نهضت و قیام بر دوش حضرت قرار نگرفت.

### التزام به صلحنامه امام مجتبی

بی‌وفائی مردم و خیانت فرماندهان، موجب تحمیل صلح بر امام مجتبی علیه‌السلام گردید. خود امام حسن علیه‌السلام در یکی

خطبه‌هایش فرمود: «اگر یارانی داشتم که در جنگ با دشمنان خدا با من همکاری می‌کردند، هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی‌کردم؛ زیرا خلافت بر بنی‌امیه حرام است.» [۷]. در نتیجه نبودن یاران راستین، صلحنامه‌ای امضاء شد که بخشی از مواد آن چنین است: ۱. حکومت به معاویه واگذار می‌شود بدین شرط که به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل کند. [۸]. ۲. پس از معاویه، حکومت متعلق به حسن بن علی علیه‌السلام است و اگر برای او حادثه‌ای پیش آمد، حسین ابن علی علیه‌السلام خلافت را عهده دار خواهد شد. [۹]. ۳. معاویه باید ناسزا به امیرمؤمنان و لعنت بر او را در نمازها ترک کند، و علی علیه‌السلام را جز به نیکی یاد نکند. [۱۰]. اکنون امام حسین علیه‌السلام می‌بایست منتظر بماند تا مردم کاملاً میزان عهد و وفای معاویه را به قراردادهای خویش دریابند و عده‌ای گمان نکنند که «صلحنامه» می‌توانست عاملی برای وحدت امت اسلامی قرار بگیرد. بدین سان مردم پس از ده سال دریافتند که تمامی عهدنامه نقض شده و آخرین آن ولایت‌عهدی یزید بود که رسوایی و عار را نصیب امویان نمود. ابومخنف می‌گوید: امام حسین علیه‌السلام نامه‌ای به معاویه نوشت که در آن آورده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان ما بعد، نامه تو به دستم رسید، از مضمون آن آگاه شدم. به خدا پناه می‌برم از این که پیمان برادر خود امام حسن علیه‌السلام را با تو بشکنم. و اما سخنی را که در نامه آورده‌ای، آن را دروغ بافان سخن چین و تفرقه افکنان میان جماعات به تو گفتند. به خدا سوگند! آنان دروغ می‌گویند. [۱۱].

## اقدامات حسینی در عصر معاویه

### اشاره

اگرچه حضرت بر ضد معاویه قیام مسلحانه نمود، اما همواره بر تبلیغ و ترویج حق و تحکیم پایه‌های دینی و قرآنی تأکید می‌ورزید و جلوه‌های حقیقت و حق را هرچه پرفروغ‌تر فرا راه انسان‌ها قرار می‌داد، که در این بخش به سه محور از تلاش‌های آن حضرت می‌پردازیم:

### ترویج امامت علوی

عترت و در صدر آن، امیرمؤمنان علیه‌السلام ترجمان وحی و عدل قرآن اند که در کنار یکدیگر موجب مصونیت انسان‌ها از گمراهی می‌گردند. در قرآن کریم مودت و دوستی آنان اجر و مزد رسالت به شمار آمده و فرموده است: «قل لا اسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی» [۱۲] بگو من برای رسالت خویش مزدی جز دوستی خویشاوندان نمی‌خواهم. نه مودت و عشقی صرفاً احساسی و عاطفی، بلکه عشقی که موجب رهنمون شدن انسان‌ها به سوی خدا می‌شود؛ چنان که در آیه دیگر آمده است: «قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربّه سیلاً» [۱۳] بگو من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش بیاید. بر این اساس است که ائمه علیهم‌السلام اهمیت این حکم الهی و قرآنی را بیان می‌داشته‌اند. سلیم بن قیس می‌نویسد: یک سال قبل از مرگ معاویه، حسین بن علی علیهما‌السلام با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر برای حجّ به مکه رفتند. امام حسین علیه‌السلام مردان و زنان و یاران بنی‌هاشم و آن عده از انصار را که او و خاندانش را می‌شناختند، جمع کرد. سپس چند نفر را فرستاد و فرمود: همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که معروف به صلاح و عبادت اند و به حجّ آمده‌اند، نزد من جمع کنید. در پی این دعوت، بیش از هفتصد نفر که بیشتر آنان از تابعان و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، در منا در خیمه آن حضرت گرد آمدند. امام در میان آنان به بیان خطبه برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: اما بعد، این شخص طغیانگر (معاویه) در باره ما و شیعیان ما اعمالی را روا داشت که دیدید و فهمیدید و شاهد بودید. می‌خواهم مطلبی را از شما بپرسم؛ اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم، مرا تکذیب کنید.



شما را سوگند می‌دهم به حقّ خدا بر شما و حقّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خویشاوندی من که با پیامبر شما دارم، چون از اینجا (به دیار خود) رفتید، این گفتار مرا عنوان کنید و همه شما در دیار خود از قبایلتان - آنان را که به آنها اطمینان دارید - دعوت کنید. سپس حضرت ضمن بیان آیات قرآنی که در فضیلت علی علیه‌السلام وارد شده است، فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم! آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روز «غدیر خم» علی علیه‌السلام را به ولایت نصب کرد... آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین خطبه‌ای که برای مردم خواند، فرمود: من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم، دامن آن دو را بگیرید تا هرگز گمراه نشوید؟ گفتند. آری به خدا. [۱۴].

## هشدار به خواص

حکومت‌های ستمگر و ضدّ اسلامی همواره از دانشمندان در جهت پیشبرد مقاصد خویش سود می‌جسته‌اند و هنگامی که آنان را با خود همراه می‌دیدند، هرچه بیشتر بر هتک حریم الهی و قوانین او جرأت می‌یافتند. معاویه نیز بسیاری از خواص را با تطمیع و تهدید با خود همراه کرده و حقائق احکام الهی را با ترویج احادیث دروغین به مسلخ برده بود و در نتیجه، توده‌های مردم که چشم و دل به خواص داشتند، در کمال بی‌خبری قرار گرفتند. در این فضای مرگبار، فریادی قدسی، غفلت و سکوت را می‌شکند و آیات مسئولیت و جهاد را بر آنان تلاوت می‌کند، شاید از این آشفتگی نجات یافته و رسالت الهی خویش را بازیابند و جامعه را از رکود و غفلت زدگی به سوی صلاح و نیکی پیش برند. این، همان خطبه سیدالشهدا علیه‌السلام است که در منا طنین افکند و این بار خواص را مخاطب قرار داد که ما بخشی از آن را ذکر می‌کنیم: عبرت بگیرید، پند بپذیرید از سرنوشت مردمی که به دلیل ترک امر به معروف و نهی از منکر، پروردگار متعال آنها را سرزنش کرده و می‌فرماید: «چرا دانشمندان نصارا و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند. چه زشت است، رفتاری که آنان انجام می‌دادند». [۱۵] و نیز می‌فرماید: «کافران بنی‌اسرائیل، بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند؛ این به خاطر آن بود که گناه کردند و تجاوز می‌نمودند. آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند، چه بدکاری انجام می‌دادند». [۱۶]. این خودداری و امتناع از نهی از منکر را عیب شمرده؛ زیرا آنان از نزدیک، از ستمگران کارهای زشت و فساد را می‌دیدند و عاملان منکر را نهی نمی‌کردند و این سکوت، بیشتر به خاطر هدایا و مزایایی صورت می‌گرفت که از مصادر ظلم به آنان می‌رسید و از بیم و هراسی بود که داشتند؛ با این که خداوند در قرآن می‌فرماید: «از مردم نترسید». [۱۷] و می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان ولیّ (یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». [۱۸]. خداوند، از امر به معروف و نهی از منکر «مقدم بر نماز و زکات» آغاز کرده است. زیرا وقتی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر به نیکویی ادا شود، تکالیف دیگر، آسان و دشوار، نیز برپا شود. آنگاه امام می‌فرماید: اگر عهد شما را درهم بشکنند، جزع و فزع همی آورید. اما در برابر شما مواثیق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ناچیز می‌شمارند و از دهانتان دم بر نمی‌آید! مصیبت بر شما از همه مردم بزرگ‌تر است. زیرا در حفظ مقام بلند علمی دانشمندان و علما مغلوب شدید. ای کاش برای حفظ آن، تلاش می‌کردید! این بدان جهت است که مجاری امور و احکام به دست دانشمندان و عالمان خداشناس است که امین بر حلال و حرام او هستند و باید زمام امور به دست آنها باشد و این مقام را از شما ربودند. و این منزلت از شما گرفته نشده، مگر به واسطه جدایی شما از حق و اختلاف‌تان در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از روشنی آن. حضرت در ادامه می‌فرماید: پروردگارا! تو آگاهی که ما چشم طمع به تخت سلطنت و تاج شاهی نگشوده‌ایم و دسترسی به مال بی‌ارزش دنیا را در نظر نداریم بلکه در این راه، تنها به احیای نشانه‌های دین تو پرداخته‌ایم و هدف ما این است که به آشفتگی‌های اجتماع خاتمه بخشیم و مصالح را برجای مفسد بگذاریم، باشد که مردم مظلوم روی امنیت و آسایش ببینند. و ما می‌خواهیم که فرایض اسلام اقامه شود و سنت پیامبر تو تجدید گردد. [ای مردم!] اگر همدوش ما در این جهاد مقدس به پیکار برنخیزید و از راه

انصاف با ما در نیابید، روزی می‌آید که خویشان هم به چنگال ظلم در افتید و در خاموش کردن نور پیامبر شما خواهند کوشید. [۱۹].

### اعتراض به کشتن مردان خدا

در زمانی که همه نفس‌ها در سینه حبس شده بود و مردان حقّ توسط معاویه به شهادت می‌رسیدند، تنها کسی که فریاد مظلومانه آنان را به مسلمانان رساند، سیدالشهدا علیه‌السلام بود. آن حضرت در نامه‌ای اعتراض آمیز به معاویه می‌نگارد: آیا این تو نبودی که حُجْر و یاران او را کشتی؟ همان‌ها که از عابدان و خاشعان حق بودند، بدعت‌ها را ناروا شمرده و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. تو آنان را پس از امان و سوگندهای مؤکد ظالمانه کشتی، به سبب گستاخی بر خدا و سبک انگاشتن پیمان الهی. آیا تو قاتل عمرو بن حَمِق نبودی؟ همان که عبادت چهره‌اش را فرسوده بود و به او امان و پیمانی سپرده بودی، که اگر به آهوان بیابان داده می‌شد، از قله‌های کوه‌ها پایین می‌آمدند... آیا تو قاتل حضرمی نیستی؟ همان که زیاد بن ابیه دربارش به تو نگاشت که او بر دین علی است؛ در حالی که دین علی علیه‌السلام دین پسر عمویش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. آن دین که اکنون تو را بر مسند و اریکه قدرت نشانده است و اگر این دین نبود، بزرگ‌ترین شرف تو و پدران مشقّت دو سفر زمستانی و تابستانی (به یمن و شام) بود که خداوند به برکت ما خاندان بر شما منت نهاد و آن را از شما برداشت. [۲۰]. طبرسی می‌نویسد: معاویه در همان سالی که حجر بن عدی و یاران او را کشت، حجّ کرد. و حسین بن علی علیهماالسلام را دیده، گفت: ای اباعبدالله! آیا این خبر به تو رسیده که ما با حجر و یاران او و شیعیان پدرت چه کردیم؟ فرمود: با آنان چه کردی؟ گفت: آنان را کشتیم و کفن پوشاندیم و نمازشان گزاردیم. امام حسین علیه‌السلام خندید و خطاب به معاویه فرمود: آنان خصم تو اند. ولی ما اگر پیروان تو را بکشیم، آنان را کفن نپوشانیم و نماز نگذاریم و دفن نکنیم. [۲۱]. بدان امید که هرچه زودتر، یادگار گرامی‌اش حضرت بقیه‌الله (عج) تجلی کند و آرمان‌های پرفروغ حسینی را در گستره گیتی تحقّق بخشد. ان شاء الله

### پاورقی

- [۱] نهج البلاغه، فیض الاسلام، کلام ۱۹۱، ص ۶۴۸.
- [۲] سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۷۶.
- [۳] اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۳، ص ۱۱، دارالکتب الاسلامیه.
- [۴] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۲۶۶.
- [۵] نساء / ۱۶۵.
- [۶] نهج البلاغه، خ ۳، ص ۵۲.
- [۷] جلاء العیون، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۳۴۶، به نقل از سیره پیشوایان، ص ۱۱۲.
- [۸] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۶۵.
- [۹] الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۱۸۴. ]
- [۱۰] شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۱۵.
- [۱۱] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۲۶۷.
- [۱۲] شوری / ۲۳.
- [۱۳] فرقان / ۵۷.

[۱۴] کتاب سلیم بن قیس، ص ۲۰۶؛ فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۳۰۱.

[۱۵] مائده / ۶۳.

[۱۶] همان / ۷۸ و ۷۹.

[۱۷] همان / ۳.

[۱۸] توبه / ۷۱.

[۱۹] تحف العقول، ص ۲۴۳ - ۲۴۱؛ سخنان سیدالشهدا (ع)، ترجمه جواد فاضل، ص ۴۲.

[۲۰] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۲.

[۲۱] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۲۸۱.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه



از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

